

جنسیت و بر ساختگرایی اجتماعی در کتابهای درسی معارف کشور

با تمرکز بر کتابهای درسی دوره ابتدایی

نویسنده: پوهنمل عادلہ کبیری

چکیده

این مقاله نقشهای منسوب به جنسیت را در کتابهای دوره ابتدایی معارف کشور مطالعه کرده است. بر اساس نظریات مربوط به برساختگرایی اجتماعی، روابط قدرت و سلطه در برساختن نقشهای اجتماعی-جنسیتی تأثیرگذار است. از آن جایی که در اکثر مناطق کشور زنها از خشونت و بی عدالتیهای اجتماعی رنج میبرند، این پژوهش برای درک چگونگی تعریف نقشهای جنسیتی به دانش آموزان دوره ابتدایی معارف، کتابهای موصوف و چگونگی استفاده آنها را از نقشهای جنسیتی مطالعه کرده است.

نتایج این پژوهش نشان داده است که با وجود همصدایی بین کتابهای دوره ابتدایی معارف با گفتمانهای مفصل بندی شده حقوق زن و توسعه اجتماعی در کشور، بازهم مبتنی بر نظریه نورمن فرکلاف که مناسبات قدرت را عامل محدودکننده تغییر میدانند. این کتابها نتوانستند برای دستیابی به توازن و تعادل اجتماعی نقشهای جنسیتی را برای نسل آینده بازتعریف کنند؛ بلکه آگاهانه یا ناخودآگاه به چرخه تولید و بازتولید نقشهای جنسیتی در جامعه پیوسته است. همچنان نقشهای اجتماعی-جنسیتی را در امتداد واقعیتهای اجتماعی برای شاگردان دوره ابتدایی تعریف کرده اند.

واژگان کلیدی: نقشهای اجتماعی-جنسیت، کتابهای دوره ابتدایی معارف، برساختگرایی

اجتماعی، فرکلاف.

مقدمه

نقشهای اجتماعی - جنسیتی یکی از پر مناقشه ترین مباحث جامعه بشری بوده که در عصر حاضر بیشتر از قبل شدت گرفته است، با جستجوی اندک میتوان تعداد زیادی مردها و زنهایی را سراغ کرد که از کشورهای مختلف جهان از نقشهای اجتماعی که به جنسیت شان نسبت داده شده راضی نبوده‌اند و آن را نادرست و بر ساخته میدانند و عامل نامتوازن بودن و بی عدالتیهای اجتماعی؛ اما این نارضایتی از نقشهای جنسیتی بیشتر در بین زنان به چشم میخورد تا مردان و علت آن هم بی عدالتیهایی است که در بسا کشورهای جهان به دلیل قدرتمندتر بودن مردها در ساختارهای اجتماعی، زنها به جرم زن بودن در تاریخ بشریت تحمل کرده و میکنند. کشور ما جز کشورهایی است که بنا به جو پدرسالار و مردسالار در آن، زنها در طول تاریخ از نقشهای اجتماعی - جنسیتی منسوب به خود ناراض اند و به شدت رنج میبرند.

تحولات یک دهه و اندی اخیر باعث شده گفتمانهای جنسیت، حقوق بشر، توسعه و ... در کشور به سرعت فصل بندی شده و رشد کنند، نهادهای مدنی متعددی با فعالیتهای گسترده در پی ایجاد توازن و بازتعریف نقشهای جنسیتی مبتنی بر عدالت اجتماعی در جامعه شدند؛ اما آیا این تلاشها میتواند به شکل نهادینه توازن جنسیتی را در کشور ایجاد کرده و نقشهای بر ساخته و خشونت آلود زنان را باز تعریف کند؟ در حالی که مباحث مربوط به برساختگرایی اجتماعی بر نقش روابط قدرت و سلطه در برساختن نقشهای اجتماعی - جنسیتی تأکید دارد؛ چنانچه به این باور است که «فهم و دسته بندی زنده گی اجتماعی مان بازتاب شفافی از جهان بیرون نیست؛ بلکه محصول برداشتهای تاریخی و فرهنگی ما از جهان و در نتیجه امری تصادفی است» (پورگنس و فلیس، ۱۳۹۳: ۱۷۴)؛ چون به این اساس نقشهایی جنسیتی نیز به عنوان بخشی از دسته بندیهای زنده گی اجتماعی میتواند تحت عوامل قدرت نهادهای اجتماعی به صورت دیالکتیک به تولید و بازتولید برساختگرایی اجتماعی پردازند، آیا ایدیولوژی حاکم در کشور که ناشی از پدرسالاری و مردسالاری است زمینه‌یی برای این بازتعریف نقشهای جنسیتی گذاشته است یا خیر؟

با توجه به این که نهادهای آموزشی از جمله معارف نقش عمیق و زیربنایی در ساختارها و باورسازیهای اجتماعی دارد، این پژوهش تلاش نموده است تا قسمتی از پاسخ پرسشهای فوق را با تحلیل گفتمان انتقادی کتابهای درسی دوره ابتدایی (صنف اول، دوم و سوم) مکاتب کشور در زمینه

جستجو کرده و نقش آنها را مورد تعریف نقشهای اجتماعی-جنسیتی به مطالعه بنشیند.

طرح مسأله: این پژوهش به دنبال دریافت پاسخ به این است که کتب دوره ابتدایی معارف کشور چه نقشهایی را مبتنی بر جنسیت تعریف کرده است، آیا تمایزات جنسیتی در این کتب در امتداد نابرابرهای جنسیتی در جامعه هستند یا این کتابها توانسته اند نقشهای برساخته و خشونت آلود زنان را باز تعریف کند؟

پیشینه پژوهش: مرتبط با موضوع پژوهش این مقاله تاحال پژوهشهای آن چنانی صورت نگرفته؛ چنانچه یگانه مورد مشابهی که من توانستم به دست بیاورم پژوهشی بود که در مورد نصاب تعلیمی سابق معارف کشور در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان **تحلیل محتوای کتابهای درسی دوره ابتدایی مکاتب افغانستان، ذهنیت ساز اطفال در زمینه هویت بخشی به زن** توسط علیرضا محمد زاده و محمد بهزاد حکاک انجام شده و در سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشر شده بود، با آن که این پژوهش ساختار یک پژوهش علمی را نداشته و نویسنده گان آن هیچ روش علمی را برای رسیدن به داده های پژوهش ذکر نکرده بودند تا نتایج پژوهش شان را از دید علمی قابل اعتنا بسازد بازهم لازم به ذکر است که نتایج این پژوهش تأکید بر این دارد که نصاب تعلیمی دوره ابتدایی معارف باعث دامن زدن تعصبات جنسیتی و آسیب رساندن به هویت زن میشود (۸).

بیانهای نظری: مبتنی بر نظریات برساخت گرایی اجتماعی، امروزه این باور وجود دارد که جنسیت در بسیاری از بخشهای زندگی اجتماعی برساخته تجلی میکند، جنسیت در فرهنگ، ایدئولوژی و فعالیتهای گفتمانی حضور دارد؛ ولی فقط به آنها محدود نمیشود، تقسیم کار جنسیتی در خانه و بازار کار، سازمان دولت، گرایش جنسی، ساخت یابی خشونت و بسیاری از جنبه های دیگر سازمان اجتماعی در بر ساختن روابط جنسی نقش دارند (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۳۷۰). جوامع متفاوت در دوره های تاریخی، گروه های قومی و نسلهای مختلف شکلهای متفاوتی از روابط جنسیتی را به دست داده اند که «تمایز میان زنان و مردان وجه مشترک همه آنها است؛ اما تنوع اجتماعی چشمگیری در ماهیت این تمایز دیده میشود، یکی از ویژه گیهای بسیار رایج و مشترک این است که تفاوت جنسیتی با نابرابری جنسیتی همراه میشود و مردان قدرت بیشتری از زنان دارند» (همان)، تحلیل انتقادی گفتمان بر روابط قدرت و سلطه بر ساختارها و باورهای اجتماعی تأکید دارد، نورمن فرکلاف عقیده دارد که «مناسبات قدرت حالتی ممکن برای ایجاد تغییر را محدود میکنند» (یورگنس و

فلیپس، ۱۳۹۳: ۱۲۹)؛ پس متناسب با مناسبات قدرت نقشهای اجتماعی جنسیت نیز میتوانند بر ساخته، نامتعادل تعریف و تولید شوند. این پژوهش مبتنی بر این نظریات انجام میشود.

روش پژوهش: تحلیل گفتمان را دستیابی به معانی پس متن به وسیله واکاوی متن میدانند، در تحلیل گفتمان شاخه ها و روشهای متفاوتی به کار برده میشود که تحلیل انتقادی گفتمان یکی از مهمترین و پرکاربردترین آنها در عرصه پژوهشهای اجتماعی محسوب میشود؛ به دلیل این که افشا، شرح و نقد فهمهای اجتماعی بدیهی انگاشته شده یکی از عمده اهدافی تحلیل انتقادی گفتمان به شمار میرود. در سایه تحلیل گفتمان انتقادی، در اجرای این پژوهش از الگوی سه لایه یی نورمن فرکلاف استفاده کردم؛ چرا که در میان تحلیل گران انتقادی گفتمان الگوی فرکلاف کاملتر از دیگران شناخته شده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۰). بر اساس این الگو هر نمونه کاربردی زبان یک رویداد ارتباطی در نظر گرفته شده که جنبه های متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی را دربر میگیرد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۴).

بر اساس این مدل، در مرحله تحلیل متن ساختهای زبانی و ویژه گیهای ظاهری متن مورد توجه قرار میگیرد. از نظر فرکلاف «تحلیل متن شامل تحلیل زبانی در قالب واژه گان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله است و تحلیل زبانی هم ویژه گیهای واژه گانی-دستوری و هم ویژه-گیهای معنایی را در بر میگیرد» (همان). در مرحله تحلیل متن فرکلاف دستور زبان نقشگرای هالیدی را مورد استفاده میداند که مبنای آن بر اهمیت نقش زبان بوده و در واقع هالیدی برای زبان سه نقش را قایل میشود که عبارتند از: نقش اندیشگانی، نقش بینافردی و نقش متنی. «نقش اندیشگانی برای بیان محتوا به کار میآید؛ بینافردی گوینده از زبان به مثابه ابزاری برای ورود خودش به رویداد گفتاری بهره میجوید و در نقش متنی که از طریق آن زبان به خلق متن میپردازد و بین خود و شرایط رابطه برقرار میکند، در این شرایط گفتمان ممکن میشود» (همان: ۶۵).

لایه دوم، الگوی فرکلاف کردار گفتمانیست که «حد واسط میان متن و کردار اجتماعی است که با استفاده از آن مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره میگیرند» و نشان میدهد که منابع اجتماعی را در دسترس تولید کننده گان و مصرف کننده گان متن مورد استفاده قرار میدهند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۶). در واقع مرحله کردار گفتمانی بینامتنیت در نظر است و آن عبارت است از وضعیتی است که در آن رخداد های ارتباطی به میزان متفاوتی وابسته به رخداد های پیش از خود هستند. بینامتنیت

میتواند آشکار با مرزهای تیز باشد یا ناآشکار باشد با مرزهای کدر (یورگنس و فلیس، ۱۳۹۳: ۱۲۹). و لایه سوم، الگوی فرکلاف کردار اجتماعی است که «تحلیل این جنبه از یک کردار گفتمانی در قالب تحلیل جنبه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک رویداد ارتباطی صورت میگیرد» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۸). در این مرحله در واقع تحلیل نظری است و در آن مبتنی بر مراحل قبلی اثر در چارچوب بزرگتر سیاسی- اجتماعی تحلیل میشود. بناءً در این پژوهش مبتنی بر نظریه نورمن فرکلاف، کتب درسی صنوف اول، دوم و سوم معارف را به ترتیب توصیف، تبیین و تفسیر نمودم طوری که در مرحله اول متن کتابهای مذکور به شمول تصاویر را به اساس نظریه نقشگرایی هالیدی تحلیل نمودم، در مرحله دوم مباحث مربوط به کردار گفتمانی و موضوع بینامتنیت را در آنها جستجو شده و در مرحله سوم، در پیوند با کردار اجتماعی آنها را تفسیر نمودم و با توجه به این که نتایج داده های هر کتاب با کتاب دیگر متفاوت بوده است، مراحل پژوهش را در هر کتاب جداگانه انجام دادم و نتایج داده های هر کتاب را نیز به طور جداگانه جستجو کردم.

در قسمتی از تحلیل در لایه اول الگوی مورد استفاده که با شمارش برخی واژگان و نقشهای متن کتاب سر و کار داشتم، نهایت دقت را به کار گرفتم؛ اما احتمال اشتباه اندک (کمتر از پنج مورد) را ناممکن نمیدانم. همچنان در قسمت تحلیل متن برخی از نقشها را که در متن تشخیص جنسیتی نداشت در پیوند به تصویری که برای همان متن چاپ شده بود تعبیر جنسیتی کردم. البته این موارد اندک بودند و در قسمت تحلیل متن مشخص شده اند؛ طوری که در این موارد جنسیت به شکل (زن) یا (مرد) داخل متن قرار گرفته اند.

در تحلیل لایه دوم، الگوی مورد استفاده که ارتباطات بینا متنی بین اثر مورد مطالعه و دیگر متون و آثار را شامل میشد، با توجه به این که ارتباطات میان مثنیت آشکار در این کتب کمتر به چشم میخورد و **زنجیره میان مثنی محکم و شفاف** این کتاب را به دیگر متون وصل نمیکرد. بناءً در پهلوی میان مثنیت آشکار، بینامتنی محتوای این کتابها را با سایر گفتمانهای مفصل بندی شده در کشور نیز مورد توجه قرار دادم ضمن این که مرزهای آن گاهی شفافیت زیادی نداشت و در لایه سوم، داده های دو لایه قبلی را در پیوند با سیاستها، گفتمانها و جامعه به تحلیل گرفتم.

داده های پژوهش

لایه اول، تحلیل متن

جدولهای ذیل تحلیل کمی محتوای کتابهای مورد مطالعه را با خود به همراه دارند:

جدول ۱. تحلیل کمی اسامی، ضمیر و القاب منسوب به دو جنس در کتابهای مورد مطالعه

کتاب صنف	اسمهای زن	القاب زنانه	ضمایری که به زن اشاره داشتند	اسامی مردانه	ضمایری که به مرد اشاره داشتند	القاب مردانه
اول	۲۴	۴	۵	۸۱	۱۰	۱۱
دوم	۶	۴	۵	۲۰	۲۶	۹
سوم	۱	۳	۱	۷۱	۴۰	۵
جمع کل	۵۳			۲۷۳		

جدول ۲. تحلیل کمی تصاویر کتابهای مورد مطالعه در پیوند با جنسیت (شامل تصاویر کوچک و بزرگ اند).

کتاب صنف	تعداد تصویر از زن	تعداد تصویر از مرد	تصاویر مشترک	تصاویر بدون انسان
اول	۱۰	۱۸	۷	۱۴۵
دوم	۱۲	۳۵	۵	۱۸۳
سوم	۸	۲۲	۵	۳۸
جمع کل	۳۰	۷۵	۱۷	۳۶۶

جدول ۳. نقش های منسوب به مردان

کتاب دری صنف اول	کتاب دری صنف دوم	کتاب دری صنف سوم
نمونه هایی از متن کتاب	نمونه هایی از متن کتاب	نمونه هایی از محتوای کتاب
بابا باغ دارد/ پدر از پیرمرد پتیر خرید/ چمن از بازار چیلی خرید/ در دکان ظاهر ظرف های بسیار قشنگ بود. حفظ روز شنبه به بازار رفت/ زمان زرد که آورد/ منصور برای صدیقه صابون آورد/ داوود داس آورد/ صبور زرد که آورد/ رازقی آورد آورد	کاکایم گفت: صلح، دوستی و آشتی را می گویند... / داکتر (مرد) دندان وی را تداوی کرده گفت: دخترم! کوشش کن با دندانهایت چیزهای سخت... را می ده نکی... / پدر گفت: این تب از اثر گزیدن پشه ملاریا پیدا می شود و .../ جاوید گفت: تو غمگین باش، در دنیا مستند کسانی که هر دو پای خود را از دست داده اند، من ترا به شهر می برم در آن جا شفا خانه هایی است که پای ساخته گنی می سازند... /	حضرت محمد پینبر خدا و رهبر تمام مسلمانان جهان است... / حضرت ابوبکر صدیق از جمله باران و دوستان شجاع حضرت محمد بودند... / آینده های تاریخی نمونه های کار بزرگ نیاکان ما است... / از حضرت داوود آهنگری به میراث مانده است، آهنگر (مرد) بیل، داس، کلنگ، چاقو... میسازد، آهنگری کسب شریفی است... / پدران ما با قوت و شجاعت وطن را آزاد ساختند...

ورزشکار و ورزش دوست	عیا آب بازی را خوش دارد/ عیا با فیاض در خوشی حویلی آب بازی می کند/ پویل توپ بازی میکند، پویل توپ بازی را خوش دارد/ متین توپ را خوش دارد/ محمود در صحن حویلی ورزش میکند/ هارون هر روز صبح در هوای صاف ورزش می کند.	رجب: بهرمان	جشن استقلال روز یاد آوری بهرمانی پدر کلان های ماست که وطن ما را از یگنگان آزاد کردند.../ سید جمال الدین افغانی پسر سید صفدر... برای دوستی بین مسلمانان کوشش بسیار زیاد نمود.../ روزی پادشاه از راه می گذشت با دیدن بوزیا از گادی پایین شد... وی را به فرزندی خود قبول کرد و به قصر برد...	فرید شاگرد صنف سوم است، نماز میخواند، ورزش می کند، با پدر دهقانش کنکته می کند، پادب و اول نمره است. کریم اول نمره صنف/ شریف شاگرد مکتب است. / نعمت الله کچالو خرید و به این اندیشه شد که چرا کچالو خام خورده نمی شود بنا از پدرش این سوال را پرسید.../ برادر بزرگ سهراب جای صبح را برای پدرش می برد. / امد شاگرد صنف سوم، اول نمره، خوش اخلاق، مهربان، با تربیت، مسوولیت پذیر و عامل همبستگی کلاس.
بلواد و علم دوست	نذیر به کاغذ خط نوشت/ او (صابر) هر روز صبح مکتب می رود/ او (غیاث) در صنف اول درس می خواند/ قسیم با قلم مشق می کند/ خالد با قلم سرخ خط نوشت/ قاسم به رسانی/ علاقه زیاد دارد. سخی خط خالد را خواند	احسان: بهرمان	رجب فخر شده به دکاندار زشت گفت.../ غلام سخی... بسیار غمگین بود و گریه می کرد.../ زلمی یک پرنده را در قفس انداخته بود، دانه های خوب و آب صاف برایش می داد.../ امد یک شاگرد خوب است... نماز می خواند... به پدر و مادرش سلام میدهند... درس میخواند... پادب و مهربان است...	پدر سهران دهقان است و صبح وقت بعد از ادای نماز بالای زمین میروند/ پدر حامد داکتر است.../ کریم یک شخص دانشمند است.../ پدر احمد شخص تحصیل کرده بود و معلومات کافی در مورد انواع مواد مخدر به احمد داد / پدر نعمت الله که شخص عالم و دانشمند در رشته زراعت است به نعمت الله توضیح داد که چرا نمی شود/
مسوول کارهای بیرونی، کاسب، توانا	پدر یا داس کار می کند/ پدر نقیه در فابریکه کار می کند.../ فرید در فابریکه نساجی کار می کند.../ پدر اکرم تراکتور می راند.../ لالا هرسال لبوبی می کارد.../ یاسین نجار است.../ پدر فیض داکتر است.../ کاکای معروف زبور صل تربیه می کند.	مسوول معیشت و کار بیرون از خانه	دهقان زحمتکش (پدر) به خاطر تبلی پسران شان بسیار جگرخون.../ نعمت الله که از مکتب به خانه رفت دید زحل خواهر کوچکش گریه می کند... نعمت الله خواهرش را نزد داکتر دندان برد.../ احمد پرسید: پدر جان مرغداری چه فایده دارد...؟ احمد از پدرش خواست تا برای وی چند دانه مرغ ببرد.../ عیدالله یک بوریا باف غریب بود که از راه فروش بوریا نان شب و روز خود را پیدا می کرد...	کریم پسر ده ساله شاگرد مکتب و بازگوش که به مادر و پدرش گوش نمیکند و پشیمان می شود.../ شریف از مکتب متأثر به خانه آمد به خاطر برخورد نادرست همسفی اش قادر.../ حامد که با برادر کوچکش حین بازی به جنگ و لت و کوب برادرش پرداخت اما بعد از نصایح پدرش پشیمان شد و با برادرش آشتی کرد.../ سخفان شریف معلم صاحب را بر افروخت
باک و پادب	عشان به پدر غیاث سلام داد/ سراج یک بچه خوب است/ صابر یک بچه باک است.../ شجاع و پدر عزیزه با هم دوست هستند	فرب: کار و بی توجه	چویان دروغگو (مرد) فرب کاری و پشیمانی.../ رجب به جای یک دانه گیلاس سه دانه گیلاس خریداری کرده و به خانه آورد/ نیاز محمد برای خرید نان... روان بود... با موتر تصادم کرد و پایش زخمی شد...	اجمل پسر دهانی پدرش را در اثر انفجار ماین از دست داده روحیه اش را از دست نداده و مانند یک مرد بزرگ سرپرستی خواهران کوچکش را کرده و شاگرد ممتاز نیز است.../ پدر کریم مسوولیت پذیر است و کریم را نزد داکتر برد.../ پدر مهربان و مسوولیت پذیر که برای پسر مسافرش نامه فرستاده و او را نصیحت می کند...
				کاکای شریف چند جریب زمین دارد.../ شریف قبل مرغ و شتر مرغ دارد.../ فواد باغ دارد

جدول ۴. نقش‌های منسوب به زن‌ها					
کتاب دری صنف اول		کتاب دری صنف دوم		کتاب دری صنف سوم	
نمونه‌هایی از متن کتاب	نقش	نمونه‌هایی از متن کتاب	نقش	نمونه‌هایی از محتوای کتاب	نقش
دختر مطابق هدایت مادرش بستر خواب را ترتیب می‌نماید/ خنده به آب مرج ها را شست/ پروانه نان گرم می آورد.	خانه دار مسئول کارخانه	زمین زیاد حاصل داد و زن دهقان به پسرانش گفت: این همان خزانه بی است که پدرتان برای شما وعده کرده بود... اما زینب خواهرش او را دلداری داده گفت: برادر جان تو ضعیف میشی شکر که از این خانه زنده بر آمدی پالت التلاش جور می شود... مادر یرویز گفت پسرما اگر افتاب نمی بود همه جا تاریک و سرد بود... معلم صاحب (زن) هر روز با پیشانی بان به صنف می آید... مهربان است... زحمتکش است... راهما و با ادب است/ یک روز مادر رجب به وی پول داد تا آن بازار یک دانه گیلاس بخرد...	راهب مهربان	زنها نصف جامعه اند، در خانه مادر، خواهر، دختر و همسر اند. نه تنها امور منزل را پیش می برند بلکه قایلین بغی، گلدوزی هم میکنند، در قریه ها با مردها زمین را قله و یا حاصل جمع میکنند، خارج از منزل معلم، داکتر، انجیریه‌ها و مدافعان رزمنده وطن بلندترین مفاهیم مادر بودن است/ رابطه بلخی، دانستند، یا منکبت و یا شهامت، شاعر /معلم (زن) صمیمی، کمک کننده و تربیه کننده،	نقش نامحسوس، قائل به انجام همه کارها
ظریفه و نظیفه شاگردان هستند/ داکتره برادرش اندرز را دوست دارد/ گللی گل ها را دوست دارد، او (گللی) از گل ها خوب نگهداری می کند.	پاک و مهربان	این صدای مهربان مادرم بود که برای برادر کوچکم فرهاد جان می خواند... دخترک (زحل) در حالی که اشک از چشمانش روان بود گفت: دندانم درد می کند... /سرین ... کمی تب داشت و نمی توانست به تنهایی خانه خود برود... مادر رخ یک دختر مهربان و دوست صمیمی سرین است در هنگام رخصتی کتاب هایش (کتاب های سرین) را گرفت و تا خانه همراه او رفت... /زن فرید زد و به شوهر خود گفت که زاغ صابون را برد... /مادرش از این کار رجب قهر شد و ...	مهربان، صاحب احساسات	مادر فرید جای صبح را آماده می کند. مادر سهراب کارهای خانه را انجام میدهد.	مادر مسئول کارهای خانه
جمیله در جمع کردن جوارزی با نجیب کمک کرد	همکار و تلخ کرد	...	...	... مثل میله منکب که در بین زنان رواج دارد...	نقش قدرتی

لایه دوم، کردار گفتمانی

این مرحله تحلیل بیشتر تشخیص و تحلیل همصدایی و بینامتنیت را بین آثار مورد مطالعه و دیگر آثار و گفتمانها مدنظر دارد که در ذیل به تکفیک کتب مورد مطالعه به ترتیب با آن میپردازم:

♦ در کتاب دری صنف اول ارتباطات بینامتنیت را به وضاحت می توان دید البته این ارتباطات دو نوع را شامل میشوند، یکی، ارتباطات آشکار که مرزهای تیز و قابل تشخیصی بین متن مورد تحلیل و متنهای دیگر مشاهده میشود و دوم، ارتباطات غیر شفاف است که مرز بین متن مورد تحلیل و دیگر متنها هر چند قابل تشخیص، اما کدر و غیر شفاف است.

به صورت کل یک رابطه بینامتنی را بین محتوای این کتاب و دیگر گفتمانهای مفصل بندی شده در جامعه می توان تشخیص داد که گفتمانهایی را که هژمونیک شدند و یا نشدند شامل میشود. این ارتباطات را با متون و گفتمانهای جاری در کشور به ترتیب در ذیل ذکر میکنیم:

گفتمان دین: این بخش شامل ارتباطات شفاف و آشکار بینا متنی است؛ به عنوان مثال جملات: «حج کردن فرض است، خداوند آفتاب و زمین را آفریده است، حضرت محمد پیغمبر ما و آخرین پیغمبرها است، قرآن کریم بر حضرت محمد نازل شده است، فرزند خوب مادر خود را احترام

میکند» (هاشمی؛ ۱۳۹۰: ۱۲۱-۳۲)، نقل آشکار متون دین اسلام است که بین این کتاب و گفتمان دینی در جامعه ارتباط برقرار کرده است.

گفتمان توسعه: این کتاب با گفتمان توسعه در بخشهای مختلفش ارتباط برقرار کرده که ارتباط بینا متنی این کتاب با گفتمان توسعه بیشتر شفاف و گاه غیر شفاف است، بخشهایی از گفتمان توسعه را که با این کتاب ارتباط بینامتنی دارند عبارتند از:

توسعه بهداشت: «پدر خالده برای چاه سرپوش ساخت، شستن دندان فایده دارد، توت پیش از خوردن باید پاک شسته شود، آب بازی در آب های کثیف ضرر دارد» (هاشمی؛ ۱۳۹۰: ۶۶-۳۰).

توسعه دانش: این بخش از توسعه نیز که به عنوان قسمت مهمی از توسعه اجتماعی مد نظر گفتمان توسعه قرار دارد، در این کتاب مورد توجه و تکرار قرار گرفته است؛ چنانچه در جای جای آن از افراد مثبتی به عنوان علاقمندان دانش و سرمداران مکتب نام گرفته شده است؛ به عنوان مثال: «ذاکره و نذیر به خواندن کتاب شوق دارند، صابر هر روز مکتب می رود» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۳ و ۶۳) تعداد زیادی از جملات این چینی که در طول کتاب تکرار شدند.

میکانیزه شدن و توسعه اقتصادی: توسعه اقتصادی و میکانیزه شدن زراعت نیز به میزانی در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است؛ چنانچه جمله «پدر اکرم تراکتور میراند» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۸۹)، به این اشاره دارد و جملات دیگر این چینی.

♦ در کتاب دری صنف دوم نیز ارتباطات بینامتنی با متون و گفتمانهای مفصل بندی شده به وفور وضاحت دارد از جمله:

گفتمان دین (اسلام): ارتباط بینامتنی این کتاب با متون و گفتمان دینی به طور آشکار و صریح به چشم میخورد، عناوین «**خداوند و حضرت محمد**» (امین، ۱۳۹۲: ۶-۴)، شامل محتوایی معلوماتی در مورد دین است که به طور مستقیم از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی منشأ گرفته اند؛ همین طور بحث امانت داری (همان: ۱۴۴) که ارتباط میان این کتاب و گفتمان دینی را باخود دارد در این کتاب برجسته شده است؛ اما توازن جنسیتی در تمام این مباحث یک جانبه است؛ چنانچه در تمام این مباحث شخصیتی اگر وجود دارد مرد است.

گفتمان محیط زیست. معلومات مطروحه در عناوین «**حیوانات، پرنده ها و سرود عچی**» (امین؛ ۱۳۹۲: ۶۶-۶۰) را میتوان ارتباط میان گفتمان محیط زیست و کتاب ذیل شمرد، در این عناوین هیچ

نقش مربوط به جنسیت ذکر نشده اند.

گفتمان صلح و آزادی: صلح و آزادی که امروزه در کشور میتوان آنها را گفتمانهای مفصل بندی شده دانست، نیز به میزان قابل توجهی بر محتوای این کتاب مورد استفاده بوده است؛ چنانچه میتوان ارتباطات میان این دو را درک کرد، در عناوین «وطن، آزادی، صلح، جشن استقلال و سیدجمال الدین افغانی» (امین، ۱۳۹۲: ۳۵-۴۴). این کتاب از زوایای مختلف به مباحث مربوط به گفتمان صلح و آزادی پرداخته است و همین طور مباحث «خطرات ماین، نزاع و همدردی» (همان: ۹۵-۱۲۳) ارتباط این کتاب را با گفتمان صلح و آزادی محکم تر کرده اند، که در محتوای این عناوین دو مورد هیچ نقش جنسیتی را به بحث نگرفته، یک مورد تناسب جنسیتی را با در نظر گرفتن تصویر رعایت کرده و متباقی پنج مورد دیگر تأکید بر نقش مردان در ایجاد صلح و آزادی داشتند.

گفتمان توسعه: گفتمان توسعه نیز در این کتاب مورد توجه قرار دارد؛ چنانچه میتوان ارتباط میان گفتمانی را بین گفتمان توسعه و متون این کتاب به طور گسترده و عمیق حس کرد، شاخه های متعدد گفتمان توسعه با متون این کتاب ارتباط بینامتنی دارد که به ترتیب به آنها میپردازم:

توسعه بهداشت: تعداد مباحث این کتاب که با گفتمان توسعه ارتباط دارند نه مورد اند که در هر کدام شان به روشهای متفاوتی محتوای کتاب به گسترش توسعه بهداشت در میان شاگردان پرداخته است. عناوین «مگس و زنبور عسل، موش، ورزش، آب نوشیدنی، نظافت، حفاظت چشم ها، حفاظت دندان ها، نسوار و تب ملاریا» (همان: ۹۳-۷۲) در این کتاب معلوماتی را شامل میشوند که هر کدام در زوایای مربوط خود توسعه بهداشت را نزد دانش آموزان گسترش میدهند، این مباحث اکثر به نقشهای جنسیتی را با خود نداشتند و در مواردی که معلومات مطروحه جنسیت را با خود داشت، با در نظر گیری تصاویر تناسب کمی بین نقشهای مرد و زن وجود داشت.

توسعه اقتصادی (زراعت): محتوای این کتاب ارتباطاتی با توسعه اقتصادی نیز داشت؛ چنانچه محتوایی که در ذیل عناوین مرغ داری، حشره ها (امین: ۱۳۹۲: ۷۰-۶۸)، تجارت و دوکان داری و وسایل حمل و نقل (همان: ۱۴۲-۱۳۲)، در زوایای مختلف به تبلیغ توسعه زراعتی-اقتصادی پرداختند. در تمام این عناوین فقط نقش جنس مرد در توسعه زراعتی-اقتصادی برجسته و مورد توجه قرار گرفته است.

توسعه دانش: محتوای عناوین «علم، مطالعه، کتاب گوید، مکتب، شاگرد خوب و معلم» (امین،

۱۳۹۲: ۱۸-۸)، از زوایای متفاوت به تشویق دانش آموزان در کسب دانش پرداخته و با مباحث توسعه اجتماعی هماهنگ است، تعدادی از این عناوین هیچ نقش جنسیتی را با خود ندارند و دیگران هم به طور متناسب نقش هر دو جنس مرد و زن را در توسعه دانش برجسته کرده اند.

♦ همچنان ارتباط میان متنی بین محتویات کتاب درسی صنف سوم و برخی متون و گفتمانهای مفصل‌بندی شده در کشور به چشم می‌خورد از آن میان:

گفتمان دین (اسلام): مباحثی که تحت عناوین «خداوند، حضرت محمد ص، حضرت ابوبکر رض و اماکن مقدس» (امین؛ ۱۳۹۲: ۵۱-۱) آمده اند، مباحث مرتبط به گفتمان دین اسلام را برجسته میکنند. این مباحث هیچ نقشی برای جنسیت زن قایل نشده و در آنها نقش مرد برجسته است.

گفتمان آزادی و صلح: «وطن دوستی، صلح، جشن آزادی و آشتی کردن» (همان: ۱۴۰-۷) عناوینی اند که میان متون این کتاب و گفتمان آزادی و صلح رابطه برقرار کرده اند، محتویات این عناوین به صورت افراطی نقش مردان را در گفتمان آزادی و صلح برجسته کرده و به نقش زن هیچ نپرداخته اند.

گفتمان حقوق بشر - جنسیت: گفتمان حقوق بشر و جندر که بنا به فضای حاکم بیشتر بر حقوق زنان توجه دارد، از گفتمانهای مطرح و برجسته طی یک دهه گذشته محسوب می‌شوند که می‌توان میان محتوای این کتاب و این گفتمانها نیز ارتباطات بینامتنی را درک کرد؛ چنانچه عناوین «مقام زن و رابعه بلخی» (همان، ۱۳۹۲: ۵۳-۴۲)؛ بر علاوه پرداختن به زنان، طبق تیوریه‌های مدرن در مورد جنسیت نقشهای نامحدودی را برای زنان ممکن و مشروع شمرده و هر دو جنس را از لحاظ توانایی و ممکنات در کنار هم گذاشته اند. همچنان عنوان «حقوق اطفال» (همان: ۱۰۲) بدون توجه به نقشهای جنسیتی به مباحث حقوقی کودکان در امتداد گفتمان حقوق بشر پرداخته است.

گفتمان محیط زیست: عناوین «محیط زیست، حیوانات و روباه» (همان: ۱۰۸-۹)، محتویاتی را شامل میشوند ارتباط این کتاب را با گفتمان محیط زیست برقرار میکنند. این عناوین هیچ نقش جنسیتی را قایل نشدند.

گفتمان توسعه: این کتاب در بخشهای مختلفی با گفتمان توسعه ارتباط بینامتنی برقرار کرده اند که برخی از آنها عبارتند از:

توسعه بهداشت: عناوین «حفاظت دندانها و علاج زخم» (همان: ۵۹ و ۱۳۶) محتویاتی را با

خود دارند که توسعه بهداشت را نزد دانش آموزان تبلیغ میکنند، این محتویات نقش جنس مرد را در توسعه بهداشت برجسته کرده و نقش زن را با خود ندارند.

توسعه زراعت - اقتصاد: کتاب دری صنف سوم نیز نقش مرد را عناوین «بهاردهقان، سبزیها، گاو، میوه‌ها، انگور، غله‌ها و گندم» (همان: ۱۱۶-۱۱) در توسعه زراعت و اقتصاد برجسته کرده و هیچ نقشی را در زمینه برای زن قائل نشده است.

مدرنیته / توسعه رفاه: این کتاب در قالب عناوین «برق، فوائدپلها، تلفون و آهنگر» با معرفی ابزار رفاه مدرنیته رابطه متون کتاب را با گفتمان مدرنیته و توسعه رفاه برقرار کرده و به تبلیغ این ابزار پرداخته است، محتویات این عناوین هیچ نقش جنسیتی را با خود ندارند.

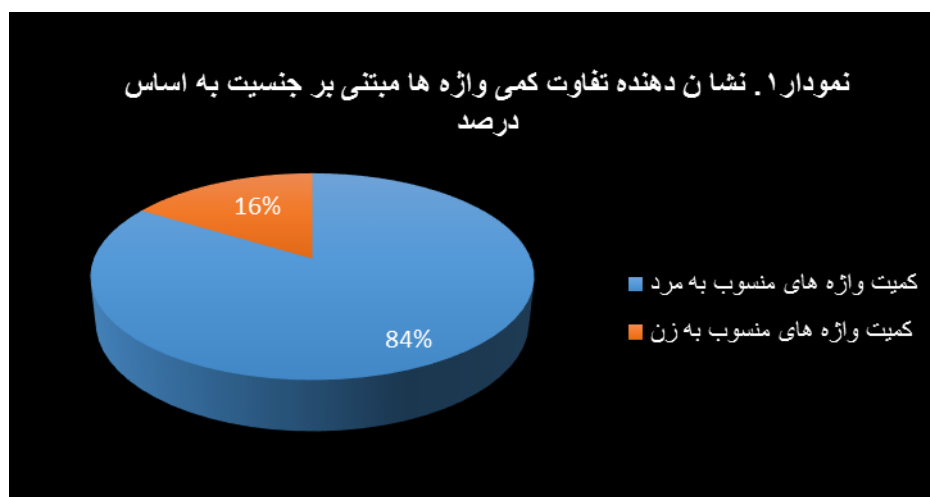
در جمع‌بندی این بخش میتوان گفت همصدایی بین کتابهای دوره ابتدایی معارف با گفتمانهای دین، صلح و آزادی و بخشهای مختلف توسعه اجتماعی به میزان بالا و با گفتمانهای محیط زیست و حقوق بشر به میزان کمتری وجود داشت؛ اما داده‌های پژوهش نشان داده‌اند که در هیچکدام از بخشهای نامبرده تلاشی برای کاهش نقشهای برساخته جنسیتی در جامعه وجود نداشته است؛ برعلاوه این که با هر دو جنس مرد و زن برخورد متعادل صورت نگرفته بود، تمام بخشهای فضای واقعی اجتماع را باز تولید کرده بود؛ چنان که شخصیتها و اعمال کتابها آشنا مینمودند انگار که گوشه‌هایی از واقعیتهای اجتماعی کشور بودند.

لایه سوم، کردار اجتماعی

نابرابری جنسیتی در کشور یکی از واقعیتهای پیچیده در تاریخ است، خشونت و تحقیر یکی از عمده چالشهای فرا راه زنان بوده و هست، با دقت در تاریخ کشور متوجه میشویم که هرچند گاهی تلاشهایی در رفع این پدیده توسط گروه‌های مدنی صورت گرفته و بلافاصله اتفاقی افتاده و تلاشها ضرب صفر شدند؛ به عنوان مثال تلاشهای مدنی دوران مشروطیت تازه داشت اثرات مثبت و مؤثرش را بر وضعیت زنان میگذاشت که پدیده شوم جنگ باعث شد همه تلاشها نقش بر آب شود.

در طی یک دهه و اندی اخیر متناسب با تحولات سیاسی، گفتمانهای حقوق بشر و حقوق زنان نیز به سرعت مفصل بندی شده و تلاشهای مدنی به شدت شکل گرفت تا توازن اجتماعی پدید آورده و نقشهای جنسیتی را باز تعریف کند؛ اما همان طور در مباحث برساختگرایی اجتماعی مطرح شده‌اند، روابط قدرت و سلطه مرد سالار تا هنوز مانع هژمونیک شدن این گفتمانها شده و خشونتها و

بی‌عدالتیها در بسا موارد همچنان هست که هست؛ چنان که کتابهای آموزشی معارف نیز آگاهانه یا ناآگاهانه نتوانستند. این نقشهای جنسیتی را باز تعریف و باز تولیدشان کردند؛ همان طور که زنان نیمه فراموش شده تاریخ بودند، کتاب‌های مورد مطالعه در این تحقیق نیز با کمترپرداختن کمی به زنان این سنت دیرینه را لحاظ کردند؛ چنانچه تعداد مجموعی اسامی، ضمائر و القاب زنانه‌یی که در این سه کتاب ذکر شده بودند (۵۳) مورد بودند؛ در حالی که مجموع اسامی، ضمائر و القاب مردانه‌یی که استفاده شده بودند به (۲۷۳) مورد رسید، این تفاوت فاحش با هرنوع نگرشی قابل اعتناست؛ به همین ترتیب نبود تناسب در کمیت تصاویر (جدول شماره ۲).



گفتنی است که دقت در نتایج داده‌ها (جدول شماره ۱) متوجه میشویم که این تفاوت در پرداخت کمی بین دو جنس بیشتر در کتاب صنف سوم و بعد از آن در کتاب صنف اول شدت داشته و کتاب صنف دوم در این میان از اعتدال کمی بهتری برخوردار است. ضمن این که در محتویات کتاب صنف دوم - بیشتر از دو کتاب دیگر - به صورت کل کمیت صراحت جنسیتی پایین آمده و اکثر با استفاده از جملات نکره و ضمائر جمع به طور کلی و نامشخص مباحث مطرح شده بودند.

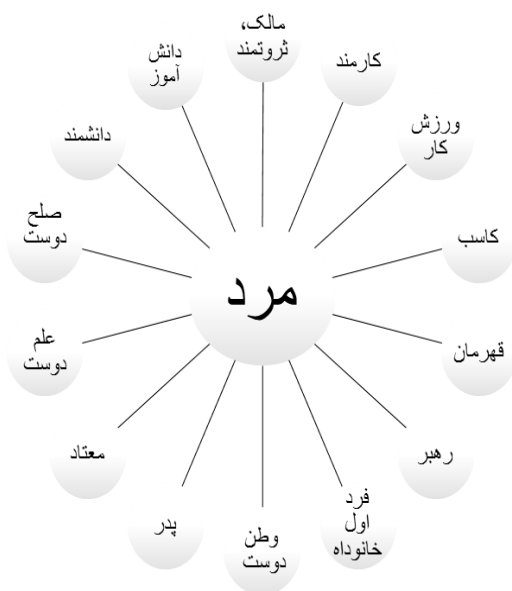
از دید کیفی، نقشهایی که در سه کتاب مورد مطالعه متناسب با جنسیت تعریف شده بود به نوعی بازتولید نقش‌های اجتماعی مرد و زن در کشور بودند، مبتنی بر داده‌یی پژوهش (جدولهای شماره ۳ و ۴) محتویات این کتابها زن را همچنان مادری مهربان که مسؤولیت شست و شوی خانه، لباس و تعذیه خانواده را دارد و گاه گاهی میتواند شاگرد و معلم نیز باشد، نشان داده‌اند، یگانه‌مردی که در متن به شکل صریح تلاش بر نامحدود کردن نقش اجتماعی زن نموده بود، درس **مقام زن** در کتاب

صنف سوم بود، در این درس آمده است که: «زن‌ها... در خانه مادر، خواهر، دختر و همسر اند. نه تنها امور منزل را پیش می‌برند بلکه قالین بافی، گلدوزی هم میکنند، در قریه‌ها با مردها زمین را قله و یا حاصل جمع میکنند، خارج از منزل معلم، داکتر، انجینیر هستند و مدافعان رزمنده وطن...» (بغلانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۳)، طوری که میبینید این محتویات هم‌چنان با تاکید بر نقش مادر و... بودن آغاز شده که یک سری مفاهیم و نقشهایی را در پس متن با خود به همراه دارد و در مرحله بعد، عبارت «**نه تنها امور منزل را پیش میبرد**» مجدداً بر نقش خانه‌داری زن مهر بلا انکار زده، و در نهایت کسب و کارهایی را نام برده که به نوعی خواسته محدودیتها را کاهش دهد. در این میان یک تصویر هم از یک زن شیرفروش در کتاب صنف دوم چاپ شده بود (امین، ۱۳۹۲: ۵۸) که به نوعی ساختارشکنی را باخود داشت، متباقی تمام نقشهایی که در محتوا و تصاویر به زنان منسوب شده بود نقش‌هایی بودند که به طور معمول زن‌ها داشته و دارند. همچنان نقشهایی که در تصاویر به زنان منسوب شده نیز محتوا را پشتیبانی کرده بودند (نمودارهای شماره ۳ و ۲). در مقابل مردها، قهرمان، رهبر، مالک، کاسب و پولدار، فرد اول و مسؤول معیشت خانواده، مسؤول انجام کارهای بیرونی نشان داده شده اند.

نمودار ۲. نقشهای منسوب به زن در تصاویر



نمودار ۳. نقشهای منسوب به مرد در تصاویر



محتویات این کتابها - در امتداد واقعیت اجتماعی - اکثر زن و مرد در کنار هم نه، بلکه در مقابل هم نشان داده اند و نقشهای منسوب به هر کدام به نوعی در تضاد با دیگری تعریف شده است؛ به همین دلیل هم پسرها همیشه همراه پدرها و دخترها همراه مادران شان نشان داده شده اند؛ چند مثال در این مورد:

- زن برابر است با کار در خانه و مرد برابر است با کار در بیرون، آن گاهی که زنی کار بیرون انجام میدهد با مردی کمک میکند و برعکس، اگر مردی کار خانه انجام میدهد، دارد با زنی همکاری میکند؛ به عنوان مثال «پرویز با مادرش در کارهای خانه کمک می کند» (امین، ۱۳۹۲: ۳۱)، یا «زن ها در قریه ها با مردها زمین را قلبه و یا حاصل جمع میکنند، جمیله در جمع کردن جواری با نجیب کمک کرد» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۷)، در پهلوی متن تصاویر هم همین نقشها را رعایت کرده بودند و یگانه موردی که استثناء خلاف این بود، تصویر یک زن شیرفروش بودن که در کتاب صنف دوم صفحه ۵۸ چاپ شده بود.

• مرد پر خاشگر است و مالک ثروت، اما زن مهربان است و صاحب فقط احساسات لطیف «بابا باغ دارد، حامد که با برادر کوچکش حین بازی به جنگ و لت و کوب برادرش پرداخت...»؛ اما «این صدای مهربان مادرم بود که برای برادر کوچکم فرهاد جان می خواند...» (امین، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

• مرد از بیرون سودا می آورد و زن در خانه سوداها را مصرف میکند: «منصور به صدیقه صابودن آورد، صدیقه با صابودن لباس شست...» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۶۲).

گفتمان های عدالت اجتماعی و حقوق زن با آن که طی سالهای اخیر به شدت در کشور جریان دارد؛ اما اکثر در سطح نظری باقی مانده و هژمونیک نشده اند؛ همان طوری که از نظر فرکلاف «معنا در خدمت قدرت است» (یورگنس و فلیس، ۱۳۹۳: ۳۰)، قدرت و سلطه مردان در فضا جاریست و این دلیل هژمونیک نشدن این گفتمانها بوده است. در واقع این نابرابری جنسیتی متأثر از روابط قدرت و سلطه مکرراً در جامعه تولید و بازتولید میشود.

نتیجه

هرچند جمعبندی هرلایه این تحقیق در پایان بخش مربوطه اش ارائه شد؛ اما در این جا برای جمعبندی نهایی به طور خاص نتیجه میگیریم که:

در این پژوهش کتابهای دوره ابتدایی معارف (اول تا سوم) براساس نقشهای اجتماعی - جنستی مطالعه شدند، یافته ها نشان دادند که کتابهای موصوف نقشهای جنستی را از واقعیت جامعه به عاریه گرفته. در واقع مبتنی بر نظریه فرکلاف، به شکل دیالکتیک در پیوند با ابعاد اجتماعی به بازتولید نقشهای اجتماعی - جنستی در کشور پرداختند.

به اساس داده های این پژوهش، از لحاظ کمی در متن و تصاویر کتابهای موصوف به زنان بسیار کمتر از مردان پرداخته شده بود و از لحاظ محتوایی، نقشهای مربوط به زنان به جز یکی دو استثنا، همه متناسب بودند با نقشهای نامتعادل زنان در جامعه، در مقابل مردان کمیت بیشتر الفاظ و تصاویر این کتابها را احتوا کرده و نقشهای شان همچنان متناسب با واقعیت جامعه مرد سالار هماهنگ شده بود.

به تایید نظریه نورمن فرکلاف که عقیده داشت «مناسبات قدرت حالتهای ممکن برای ایجاد تغییر را محدود میکنند» (یورگنس و فلیپس، ۱۳۹۳: ۱۲۹). این پژوهش نشان داده است که با وجود همراهی و هم‌آهنگی مدنی و تعهد دولت و معارف با گفتمانهای مفصل‌بندی شده کنونی در جامعه از جمله گفتمانهای حقوق زن و توسعه اجتماعی، بازهم -آگاهانه یا ناخودآگاه- کتابهای دوره ابتدایی معارف نتوانسته اند از دایره قدرت و ایدیولوژی مردپسند جامعه بیرون آمده نقشهای جنسیتی را متناسب با عدالت و توازن اجتماعی بازتعریف کنند.

لازم به ذکر است که این پژوهش فقط روی کتابهای دری صنوف ابتدایی انجام شده، بناءً پیشنهاد میکنم دوستانی که مایل به انجام چنین پژوهشهایی در آینده باشند؛ در صورت امکان روی تمام کتابهای این صنوف پژوهش کنند؛ چون در آن صورت مطمئناً نتیجه کامل‌تری به دست خواهند آورد.

منابع

۱. آوتویت، ویلیام و باتامور تام. (۱۳۹۲). **فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشرنی.
۲. امین، کبرا و دیگران. (۱۳۹۲). **دری صنف دوم**. کابل: وزارت معارف افغانستان. ریاست عمومی انکشاف تعلیمی و تألیف کتب درسی.
۳. بغلانی، غلام سرور و دیگران. (۱۳۹۲). **دری صنف سوم**. کابل: وزارت معارف افغانستان. ریاست عمومی انکشاف تعلیمی و تألیف کتب درسی.
۴. سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). **قدرت، گفتمان و زبان - ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشرنی.
۵. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و پژوهشات رسانه ها.
۶. هاشمی، شمس شکیلا. (۱۳۹۰). **کتاب دری صنف اول**. کابل: وزارت معارف افغانستان. ریاست عمومی انکشاف تعلیمی و تألیف کتب درسی.

۷. یورگنس، ماریان و فیلیپس لوییز. (۱۳۹۳). **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**. ترجمه هادی جلیلی. تهران: چاپ چهارم. نشرنی.
۸. محمدزاده، علیرضا؛ حکاک، ب هزاد. (۱۳۸۱). **تحلیل محتوای کتابهای درسی دوره ابتدایی مکاتب افغانستان، ذهنیت سازی اطفال در زمینه هویت بخشی به زن**. سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، <http://www.aihrc.org.af/home/article/479>.